

برخی از رویدادهای مهم ایران

پسران آیت الله منتظری آزاد شدند

بی بی سی - سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003

احمد و سعید منتظری، دو فرزند آیت الله منتظری، عالی رتبه ترین روحانی منتقد جمهوری اسلامی در ایران آزاد شده اند.

دو پسر آیت الله منتظری روز دوشنبه (3 نوامبر) توسط مامورانی که هویت آنها مشخص نشده، بازداشت شدند.

خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از بیانیه ای که از سوی دفتر آیت الله منتظری انتشار یافته گفته است که احمد و سعید منتظری با حکم دادسرای ویژه روحانیت بازداشت شده بودند.

این بیانیه همچنین گفته که بازداشت شدگان در بازداشتگاه ستاد "امر به معروف و نهی از منکر قم" بازداشت بوده اند.

علاوه بر احمد و سعید منتظری، دو تن از کارکنان دفتر آیت الله منتظری به نامهای رضا ضیایی و غلامرضا حجتی نیز بازداشت شدند.

پیشتر دفتر آیت الله منتظری با انتشار اطلاعیه ای اعلام کرد بازداشت ها پس از آن رخ داد که فرزندان آقای منتظری اقدام به گشایش یک منزل توقیف شده متعلق به وی، جهت برقراری ارتباط با مردم کردند.

گفته می شود هدف از بازگشایی این منزل، تشکیل کلاس های درس آیت الله منتظری در آن نیز بوده است.

آیت الله منتظری تدریس دروس مذهبی را از ماه سپتامبر گذشته، پس از پنج سال حبس خانگی از سر گرفت.

در این اطلاعیه گفته شده منزل مذکور که توسط احمد منتظری خریداری شده بود، چهار سال قبل توسط دادگاه ویژه روحانیت توقیف شد.

در اطلاعیه دفتر آیت الله منتظری آمده بود که در مدت چهار سال توقیف منزل مذکور اقدامات قانونی و پیگیری ها برای رفع توقیف به ثمر نرسید و با توجه به نیاز مردم، روز (دوشنبه 3 نوامبر) اقدام به گشایش منزل فوق گردید که حجت الاسلام احمد منتظری، حجت الاسلام سعید منتظری و برخی از اعضای دفتر و کارگران توسط نیروهای لباس شخصی که هویت آنان مشخص نیست، دستگیر شدند.

آیت الله منتظری حدود پنج سال قبل، پس از اینکه آیت الله علی خامنه ای، رهبر جمهوری اسلامی را مورد انتقاد قرار داد و او را فاقد شرایط لازم برای صدور فتوا معرفی کرد، تحت حبس خانگی قرار گرفت.

عضو دفتر آیت الله منتظری آزاد شد

رضا ضیایی، تنها عضو دفتر آیت الله منتظری که پس از آزادی دیگر بازداشت شدگان روز گذشته دفتر ایشان، همچنان در بازداشت بسر می برد، آزاد شد.

به گزارش خبرنگار خبرگزاری کار ایران، ایلنا، رضا ضیایی، ساعت 13 امروز آزاد شد. پایان پیام

پرونده زیبا(زهرا) کاظمی

شیرین عبادی وکالت خانواده زهرا کاظمی را بر عهده گرفت

بی بی سی - سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003

شیرین عبادی، برنده جایزه نوبل صلح 2003، از سوی قاضی پرونده زهرا کاظمی اجازه یافته که وکالت خانواده خانم کاظمی را به عهده بگیرد.

زهرا کاظمی، روزنامه نگار ایرانی - کانادایی، در ماه ژوئیه در حالی که در بازداشت بسر می برد بر اثر ضربه مغزی درگذشت. وی هنگامی که در نزدیکی زندان اوین مشغول عکسبرداری بود، بازداشت شده بود.

اکنون خانم عبادی و وکلای همکار وی می توانند شاهدان عینی را به جلسه دادگاه فرا بخوانند.

در همین حال گزارش می رسد که محاکمه یکی از مقامات وزارت اطلاعات که متهم به دست داشتن در قتل زهرا کاظمی است، به تعویق افتاده است.

جلسه دوم محاکمه این متهم قرار بود روز چهارشنبه برگزار شود.

علت این تعویق درخواست خانم عبادی است که خواستار وقت بیشتری برای مطالعه پرونده شده است.

خبرنگاران می گویند که این محاکمه به مناقشه ای میان قوه قضاییه و وزارت اطلاعات ایران انجامیده است.
کمیسیون اصل نود مجلس در پی تحقیقاتی که در مورد قتل زهرا کاظمی، خبرنگار عکاس ایرانی تبعه کانادا انجام داد، اتهاماتی در ارتباط با این پرونده قتل متوجه سعید مرتضوی، دادستان تهران، ساخت و خواستار پاسخگویی وی شد.
در پی انتشار گزارش کمیسیون اصل نود، دادستان تهران این کمیسیون را دارای صلاحیت اظهارنظر درباره پرونده زهرا کاظمی ندانست و اعلام کرد که پاسخ خود به اتهامات این کمیسیون را برای رئیس مجلس خواهد فرستاد.

سرکوب و نقض حقوق بشر توسط رژیم حاکم بر ایران

اطلاعیه گزارشگران بدون مرز در آستانه ورود گزارشگر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل آقای آمبی

سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003
در آستانه ورود گزارشگر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل

در آستانه ورود آقای آمبی لیگابو گزارشگر کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل درباره ی حق آزادی بیان

1- اکبر گنجی روزنامه نگار روزنامه توقیف شده صبح امروز که از ۲ اردیبهشت ماه ۱۳۷۹ در زندان است.

گزارشگران بدون مرز یادآور می شود که از بهار ۱۳۷۹ تا امروز در ایران بیش از ۱۰۰ نشریه توقیف شده

علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی ایران از جمله چهل و دو رهبر و مقام دولتی در جهان است، که

تروریسم و سلاحهای کشتار جمعی

البرادعی در تازه‌ترین مصاحبه‌ی خود مدعی شده است: گزارش ایران نشان‌دهنده‌ی این است که این کشور در گذشته به تعهداتش در قبال معاهده‌ی منع تکثیر سلاح‌های هسته‌پی عمل نکرده است.

سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران به نقل از خبرگزاری رویتر، محمد البرادعی، رییس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در گفت‌وگو با روزنامه‌ی الپایاس اسپانیا گفت: ما بخش‌های خاصی از اسنادی را که ایرانی‌ها ارائه داده‌اند، بررسی کرده‌ایم و مشخص شده است که ایرانی‌ها به برخی از تعهداتشان در قبال معاهده‌ی NPT پایبند نبوده‌اند.

البرادعی در این گفت‌وگو که در نیویورک انجام شده است، افزود: اطلاعات بیشتر در این زمینه را در هفته‌ی جاری اعلام می‌کنم.

رییس آژانس بین‌المللی انرژی اتمی همچنین گفت: هنوز چیزهای زیادی برای بررسی وجود دارد و من فکر نمی‌کنم بتوانیم این بررسی‌ها را تا پیش از 20 نوامبر و نشست شورای حکام به پایان برسانیم.

وی بیان داشت: ما باید تشخیص دهیم که چه کشوری عامل انتقال تجهیزات آلوده به ایران بوده است. انتهای پیام

تحلیل الوطن از وضعیت متهمان سعودی لیست ارسالی ایران به سازمان ملل درباره القاعده

سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003

بیشتر متهمان سعودی شبکه القاعده که از سوی ایران به عربستان سعودی تحویل داده شده‌اند، کودکان و دختران کم‌سن‌وسالی هستند که همراه والدین خویش از دو سال پیش به افغانستان سفر کرده بودند.

به گزارش سرویس دیپلماتیک خبرگزاری کار ایران، ایلنا، روزنامه سعودی الوطن نوشت: بازخوانی دقیق لیستی که مقامات ایرانی در چارچوب همکاری با مصوبه شورای امنیت در خصوص مبارزه با تروریسم تهیه کرده‌اند شامل برخی اسامی تکراری نیز هست.

از زمان بازداشت و تحویل این افراد تا زمان اعلام ملیت و سن و نوع آنها اعم از مرد یا زن، علامت سؤال‌های بسیاری در مورد آن به وجود آمد. شاید این لیست را بتوان گونه‌ای خودنمایی ایران در مقابل سازمان ملل و آمریکا به حساب آورد و شاید این مسأله به گونه‌ای سازماندهی شد تا چنین به نظر آید که گویی انتشار این لیست يك واقعه بزرگ سیاسی در عرصه مبارزه با تروریسم است.

الوطن می‌افزاید: برای مثال بنظر می‌رسد این لیست در برگیرنده اقلیت اتباع سعودی است که تعدادشان به 28 متهم مخوف می‌رسد ولی حقیقت امر این است که این لیست به ظاهر ترسناک تنها شامل اسامی مردان و همسران و فرزندان‌شان به علاوه مجموعه دیگری از افراد تنها می‌باشد.

مثلاً برخی از اسامی این لیست عبارت‌اند از منصور مناور الجابری شماره (59) به اضافه همسرش مشاعل هدیانی (60)، دخترشان اسماء مضر الجابری (61)، پسرشان اسامه منصور الجابری (62) و همچنین یوسف علی سلیمان الحمدان (63)، همسرش عزیزه محمد احمد ابوسلیمان (64)، پسرشان

أسن یوسف سلیمان (65) و خواهران‌شان رقیه یوسف سلیمان الحمدان (66) و ساره یوسف سلیمان الحمدان (67) و محمد یوسف سلیمان الحمدان (68) و غالیه یوسف سلیمان الحمدان (69) و در لیست نام‌هایی چون نویر سعید حضاض السلمی (70) و هاجر عبدالله بن‌نعام السلمی (71) و عبدالله بن

ابراهیم عبدالله الغیث (72) به چشم می‌خورد.

بدین ترتیب این لیست بیشتر شامل کودکان و دختران و همسران آنان می‌شود که حتی ممکن است

موقعیت تهران را روی نقشه نشانند.

مسأله کودکان و زنان فقط به متهمان سعودی منحصر نمی‌شود بلکه این لیست دو اردنی و همسران آنها و فرزندان این دو را نیز در برمی‌گیرد و می‌توانیم بگوییم که يك یا دو خانواده اردنی هم هست که شامل مرد و همسر و فرزندان و چند مجهول الهویه می‌باشد.

یکی از متهمان مندرج در لیست سعودی در يك حادثه تصادف جان خود را از دست داده است. لیست

مذکور يك خانواده تونسی به نام‌های هاجر عبدالرحیم ابراهیم، ابراهیم عبدالرحیم ابراهیم، محمد

عبدالرحیم، ابراهیم و حسن عبدالرحیم ابراهیم که از تمامی آنها به عنوان "مجهول الهویه" نام برده

شده است و از شماره (143) تا (147) را به خود اختصاص داده‌اند، شامل می‌شود.

این قضیه در مورد عبدالرحمن اسماعیل، اسماعیل اسماعیل، فاطمه اسماعیل و عبدالله اسماعیل نیز به همین صورت است.

این لیست در واقع نیازمند خوانش‌های دیگری است تا بتواند در پاسخ‌گویی به این سؤالات مهم موفق باشد. پایان پیام

رویدادهای عراق، دولت آینده و نیروهای موثر در آینده عراق

کنگره آمریکا کمک مالی به عراق و افغانستان را تایید کرد

بی بی سی - سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003

کنگره آمریکا از کمک مالی پیشنهادی رئیس جمهور آمریکا برای عراق و افغانستان حمایت کرده است. حجم زیادی از این کمک مالی 90 میلیارد دلاری صرف هزینه های نظامی خواهد شد و فقط یک چهارم این مبلغ برای بازسازی عراق صرف خواهد شد.

افغانستان نیز چند میلیارد دلار کمک دریافت خواهد کرد.

یکی از خبرنگاران بی بی سی در آمریکا می گوید که تایید کمک پیشنهادی جرج دبلیو بوش، رئیس جمهور آمریکا، از سوی سنا پیروزی بزرگی برای وی است.

اما به گفته این خبرنگار این میزان کمک مالی فقط برای یکسال آینده است و تا آن زمان آقای بوش باید در عراق ثبات بوجود آورد چرا که با فرارسیدن انتخابات آمریکا وی تحت فشار شدید قرار خواهد گرفت.

ادامه خشنوت در عراق

در همین حال آخرین گزارشها از عراق حاکی است که یک سرباز آمریکایی در اثر انفجاری در شهر

تکریت کشته شده و یک سرباز دیگر زخمی شده است.

همین گزارشها حاکی است که در اثر انفجاری در شهر کربلا، از شهرهای مقدس شیعیان، دست کم یک نفر کشته شده است.

پیشتر نیز شماری از انفجارهای قوی مرکز بغداد را پس از تاریکی شب لرزاند.

سخنگوی نیروهای آمریکایی گفت که 3 موشک به هدفی در بغداد شلیک شد. یکی از این موشک ها به یک تاسیسات نظامی اصابت کرد. پیشتر گفته شده بود که 3 تا 4 خمپاره در مرکز بغداد منفجر شده است.

این انفجارها در حدود ساعت 21 به وقت محلی رخ داد و صدای آن در مرکز بغداد در همه جا شنیده شد.

یک سخنگوی نظامی گفت که انفجارها ناشی از اصابت گلوله های خمپاره بوده است ولی محل دقیق انفجار را مشخص نکرد.

یک سخنگوی دیگر گفت در حال حاضر هیچ اطلاعی از وجود مجروحان یا خسارات وارد شده در دست نیست اما آنها در حال بررسی منطقه ای که "منطقه سبز" نامیده می شود هستند.

منطقه سبز به منطقه حفاظت شده ای اطلاق می شود که نیروهای ائتلاف از آن استفاده می کنند.

این انفجارها یک روز پس از آن رخ می دهد که یک فروند هلی کوپتر شینوک مورد حمله قرار گرفت و در اثر سقوط آن 16 سرباز آمریکایی کشته شدند.

از سوی دیگر، در کربلا در جنوب بغداد، مردان مسلح یک قاضی را که در باره جنایات رژیم صدام حسین تحقیق می کرد، ربوده و به قتل رساندند.

با وجود این حملات آقای بوش بر این نکته اصرار ورزیده است که آمریکا از انجام وظیفه خود در عراق کوتاه نخواهد آمد.

انفجارهای عظیمی شب گذشته (دوشنبه شب) در مرکز بغداد به گوش رسید که به نظر می رسد که

این انفجارها در غرب رودخانه ی دجله روی داده است.

سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003

به گزارش خبرگزاری دانشجویان ایران (ایسنا) به نقل از خبرگزاری آسوشیتدپرس، خبرنگاران حاضر در هتل فلسطین در شرق رودخانه ی دجله صدای پنج انفجار را ساعت 9/10 شب به وقت محلی

شنیده اند. به نظر می رسد این انفجارها در غرب رودخانه ی دجله محل ستادهای نیروهای تحت

فرماندهی آمریکا روی داده است. مرکز فرماندهی ارتش آمریکا اعلام کرد که سه یا چهار خمپاره به

مرکز پایتخت عراق شلیک شده است، اما از ارا بهی جزئیات این حادثه خودداری کرد.

از سوی دیگر مرکز فرماندهی آمریکا گزارش داد، در اثر انفجار یک بمب دست ساز در نزدیکی تکریت یک سرباز آمریکایی کشته و یک تن دیگر مجروح شد.

از سوی دیگر شاهدان عینی گزارش دادند که در اثر انفجاری در نزدیکی حرم امام حسین (ع) در کربلا

حداقل یک تن کشته شده است. انتهای پیام

شیعیان و آینده عراق - حکومت عرفی یا مذهبی

رهبر قبایل شیعه عراق پس از دستگیری در رژیم صدام از عراق خارج شد که حکم اعدام غیابی او صادر شد و او را در ایران ماندگار کرد. «فاضل المالکی» علاوه بر تحصیل در درس حوزه در دانشگاه بغداد لیسانس حقوق، ادبیات عرب و الهیات گرفته و در همان دانشگاه فوق لیسانس مدیریت و قانون اداری را گذرانده است. در دانشگاه سوربن و در رشته فلسفه و فقه اسلامی به درجه دکتری نایل آمده و از فعالان بی سروصدای سیاسی در عراق است. با استدلال های خاص از مواضع خود دفاع می کند و در نقد صریح مجلس اعلاي عراق از روابط فامیلی نمی هراسد. او داماد مرحوم آیت الله حکیم است و علاوه بر فعالیت های سیاسی در مدرسه خود در قم به طلاب عراقی درس خارج می دهد. هیچ يك از تشکل های فعلی عراق را مردمی نمی داند. در حالی که مقتدی صدر در کوفه نماز جمعه برپا می کند، به مرحوم حکیم اخطار می دهد که از برپایی نماز جمعه در نجف حذر کند که به آن حادثه خونین می انجامد. سپس آن پیشنهاد را در مقابل خود می بیند ولی با احتیاط کامل از آن می گذرد.



• به عنوان کسی که از ابتدا در روند شکل گیری مجلس اعلاي عراق نقش داشته، از اهداف نخستین بیان گذاری این مجلس بگویید.

در سال 1979 و مقارن با انقلاب ایران مجبور شدیم از عراق خارج شویم. در آن زمان طرحی بود که پیشنهاد می کرد برای ادامه انقلاب و حرکت علیه رژیم سابق عراق يك تشکل رهبری وجود داشته باشد. قرار بود این تشکل از علما و متفکرین سیاسی و از افراد متعهد به مسائل عراق و اسلام صورت پذیرد. اسامی متعددی بر این تشکل گذاشته شد. پس از مدتی با نام «جمعیت مجاهدین عراق» تشکیل شد.

• چند نفر علمای نجف بودند؟

بین 10 تا 12 نفر. بنده را هم به عنوان عضو این گروه پذیرفتند. چند جلسه ای برگزار کردیم. بعد از آن آقایان چند جلسه درباره عراق و روش اداره مبارزات سیاسی برگزار کردند که به اختلاف نظر انجامید. بعضی از نیروهای مهم عراقی از این جماعت دور بودند و برخی گفتند که ما در این تشکیلات هیچ سهمی نداریم و باید تشکیلات بزرگ تری به وجود بیاید. بعد از مباحثات زیاد تشکلی با نام مجلس اعلاي عراق به وجود آمد. کیفیت تولد مجلس اعلا به صورت انتخاب مردمی یا برگزاری کنفرانس معارضه و مبارزین نبود. بلکه عده ای از آقایان - چه عراقی و چه غیرعراقی - در جلسه ای نشستند و تصمیم گرفتند.

• می توانید این آقایان را نام ببرید؟

عراقی و ایرانی، مهمان و میزبان. قبل از این جلسه با خیلی از شخصیت های عراقی - چه سیاسی و چه حوزوی - تماس گرفتند ولی خودشان نشستند و تصمیم گرفتند که فلانی عضو مجلس اعلا بشود و فلانی نشود. فلانی رئیس یا سخنگو شود و دیگری نشود. بین خودشان تقسیم کردند. از همان ابتدا ما نظر مخالف داشتیم. به طور خصوصی و با توجه به شرایط موضع گیری کردیم. نه به جهت ترس. من از هیچ کس ترس ندارم. فقط از خدا. همه آنها می دانند که من در منبر بغداد و در جامع الهاشمی به صراحت انحراف حزب بعث و با تطبیق آیه منافقین بر حزب بعث را اعلام کردم. پس از آن سازمان استخبارات بعثی مجالس من را ممنوع کردند و من را هم دستگیر کردند. به همراه شهید صدر اول آزاد و از عراق خارج شدم که حکم اعدام غیابی برآیم صادر کردند. همه جا فعال بودم و در فرانسه هم فعالیت کردم. به دولت ایران به عنوان دولت اسلامی و پاسدار مکتب اهل بیت احترام می گذارم. ما بسیار کمک کرده ایم و دولت ایران هم برای سرنگونی رژیم بعث تلاش کرد. جنگ هشت ساله همراه شد و آقایان به حرکت های مبارز و معارض کمک کردند. ولی روش دخالت در قضیه عراق فرق می کند.

• چه فرقی؟

به نظر ما تشکیل مجلس اعلا باید به صورت انتخاب حقیقی بین عراقی ها خارج از عراق صورت گیرد. حتی ابزار کیفیت انتخابات را هم من عرضه کردم.

• آیا اصراری داشتید که مجلس اعلا پایه ای دموکراتیک داشته باشد؟

بله. گفتیم اگر نظر مساعدی به انتخابات ندارید حداقل کنفرانسی برای تماس شخصیت های سیاسی سالم عراق برگزار کنید. چه ملی چه اسلامی. سالم باشند و مزدور رژیم های خارجی و یا رژیم صدام نباشند و همه شرکت کنند و این کنفرانس باشد که مجلس اعلا را شکل دهد.

• شما به ایران آمدید به دعوت چه کسی خودم آمدم. بنده را برای مجلس اعلا دعوت کردند. چند بار دعوت کردند و من نپذیرفتم. گفتم با کمال احترام به این تشکیلات کمک می کنم ولی خودم وارد نمی شوم.

• اشکال عمده شما چه بود؟ فقط انتقاد به نوع انتخاب کادرهای مجلس اعلا؟

این یکی از دلایل من بود. دلیل دیگر این بود که روش این مجلس برای کل نیروها و در مرور زمان، روش جامع نبود. البته عنوانش بود ولی در عمل به علت رفتار آقایانی که صاحب جایگاه هستند و قدرت مجلس را در دست دارند، از اهداف خود دور شد.

• یعنی پایگاه مردمی آن از بین رفت؟

بله. مجلس کم کم به انحصار جماعتی خاص درآمد. آن امیدی که برای این مجلس بود، از بین رفت. در آن زمان نظر دادیم که تا فرصت هست کنفرانسی بگذارید تا کنفرانس تصمیم بگیرد که اعضای مجلس

که باشد و قوانین و مقررات چگونه باشد. آقایان گفتند الان زود است. واقعیت این است که مجلس اعلا در حال حاضر یکی از تشکیلات معمولی مثل دیگر احزاب و تشکیلات است. اول قرار بود این تشکیلات مادر همه تشکیلات باشد.

• الان این طور نیست؟
درست است. به لحاظ عملی هم فعالیت آن در حال حاضر محدود است. صریح بگویم، با تمام احترام به آقایان مجلس و آقایانی که پشت مجلس هستند، به نظر ما قضیه عراق باید از هر محور و کشوری مستقل باشد. نباید در خارج بگویند که این تشکیلات به یک دولت وابسته است. چنین بحثی به ضرر تشکیلات در داخل عراق منتهی می شود. عراق کشوری عربی است. 22 کشور عربی و اسلامی داریم و تمام اتفاق های عراق در دیگر کشورها منعکس می شود. دشمن هم زیاد داریم. ما نمی خواهیم تابع یک کشور یا دولت خاص باشیم. صلاح نیست. باید مستقل باشیم. با اینکه معتقد به هماهنگی با کشورهای منطقه و کشورهای اسلامی و عربی و خصوصا جمهوری اسلامی ایران هستیم و مشورت را لازم می دانیم، دخالت در تصمیم های خود از هر کشوری را وارد نمی دانیم. چون به ضرر خود آنها و دیگران است. اگر کسانی تصور کنند این تشکیلات کانال آنها در درون عراق است، به ضرر طرفین است. باید گونه ای دیگر باشد و تصمیم گیری در دست عراقی ها، با آزادی و عدالت و انصاف باشد. وقتی دخالت و کمک در جهت منافع خاص گروهی باشد، راه صحیحی نیست. آمریکا و همدستانش اگر بدانند کشوری خاص در عراق نقش دارد، حمله می کنند و از بین می برند.

• پس ترور آقای حکیم را هم نتیجه چنین سیاستی می دانید؟
[سکوت می کند]. شما از دیدگاه خود متوجه منظور من می شوید و من نمی خواهم بیش از این در این باره صحبت کنم.

• زمانی که مجلس اعلا شروع به کار کرد، تصمیمی برای در اختیار داشتن نیروی نظامی هم گرفته شد؟
بله. بعد از آن هم هماهنگی هایی صورت گرفت تا این نیروی نظامی شکل گیرد. ولی نکته اصلی که من گفتم این بود که نباید تشکیلات عراق تابع هیچ دولتی باشد.

• پس از همان اول توصیه شما را قبول نکردند؟
ما گفتیم هر دولتی می خواهد کمک کند، مختار است ولی حق دخالت در تصمیم گیری نداشته باشد. تابعیت با ضرر همراه است. شما می دانید که حساسیت ایران در منطقه چقدر است. ما معتقدیم که امنیت ایران امنیت ما است و پیروزی و آبروی ایران برای ما نیز هست. اما در طرح جهانی و سیاسی و تبلیغاتی نباید مطرح شود که ما تابع ایران هستیم. این تابعیت به ضرر ایران و ما است. آنها [ایرانی ها] کاری نمی توانند بکنند و خود ما هم گرفتار می شویم. خیلی مسائل پیش آمد که شما هم اشاره کردید. خیلی از قضایا به این حساسیت ارتباط داشته و خواهد داشت.

• می توانیم بگوییم که بزرگ ترین نقد شما به مجلس اعلا همین فقدان استقلال است؟
بله. البته ما از این کشور شریف متشکریم. اما در عین حال نمی خواهیم به دلیل نبود دقت در رفتار این خدمات ضایع شود.

• صریح تر بگویید.
ایران 25 سال برای عراق زحمت کشیده و نباید این زحمات به موضع گیری غیردقیق منتهی شود. حالا وقت برداشت است. نباید زحمات خود را ضایع کنند.

ادامه دارد

عراق پس از حکیم

اسماعیل آزادی: روزنامه شرق - چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

ترور آیت الله حکیم فصل تازه ای در تاریخ عراق را رقم زده است هر چند در این ترور انگشت اتهام به سوی جریان های مختلفی نشانه رفت اما مهم ترین منافع این انفجار خشونت بار از آن جریان هایی است که سعی دارند سقوط صدام را برابر با ناامنی عراق توصیف کنند و از سوی دیگر تضاد میان شیعه و سنی را تضادی عینی و واقعی جلوه داده و به آن دامن بزنند. به هر حال ترور حکیم، تحکیم جایگاه شیعیان در عراق را به دنبال داشته و به مشروعیت بیش از پیش کابینه اکثریت شیعی دولت انتقالی عراق منجر شده است. انفجار نجف، عراق پس از ترور حکیم، جایگاه بنیادگرایان سنی در عراق جدید، شناسایی دولت انتقالی از سوی کشورهای عربی و ... فضای بحث ما با دکتر حمید احمدی کارشناس مسائل خاورمیانه است که در پی می آید.

•••

• مهمترین سئوالی که در مورد عراق برای خوانندگان مطرح است، به بحث ترور آیت الله حکیم بازمی گردد. جریان های مختلفی به این ترور منتهم شده اند، منشاء این ترور را ناشی از چه جریان هایی می دانید؟

در مورد این ترور چند فرضیه اساسی و چند نگرش مختلف وجود دارد. یکی اینکه صدام حسین و عوامل حزب بعث این کار را انجام داده اند. یک عده القاعده را مسئول می دانستند و عده ای نیز بحث دخالت آمریکا را مطرح می کنند (این تفکر در میان مقامات ایران رایج است) فرضیه دیگر این بود که ممکن است رقبا یعنی جریان صدر و دیگران این کار را کرده باشند. فرضیه دیگر این که آن را کار جمهوری اسلامی می دانستند (این دیدگاه از سوی برخی جریان های اپوزیسیون خارج ایرانی مطرح شده

است). هرچند اصولاً فرضیه رقبا جذاب است اما این نظر خیلی قابل تکیه نیست. به نظر من دو فرض اول از بقیه قوی تر است. یعنی در درجه اول، بازماندگان بعث و در درجه دوم القاعده به تنهایی یا با همکاری بازماندگان حزب بعث. بقیه نظریه ها یعنی این که آمریکا و یا ایران چنین کاری کرده باشند اصلاً منطقی نیست. چون گرچه آقای حکیم در اظهارنظرها و سخنرانی ها در نمازهای جمعه در مورد ضرورت رفتن آمریکایی ها و اشغال و... حرف می زد، اما عملاً با آمریکا همکاری داشت و به قول برخی، یکی از متحدین غیررسمی آمریکا بود. بنابراین ترور آقای حکیم برای آمریکا هیچ فایده ای نداشته است. در ضمن آمریکایی ها اصلاً سابقه انجام چنین اقداماتی را ندارند. آمریکایی ها مواضعشان شفاف است. چراکه قدرت و امکانات دارند و می توانند حرف خود را به طور روشن و شفاف بیان و به آن عمل کنند. دوران CIA بازی و کودتاهای دهه های 60 و 70 و... از دهه 80 به بعد کمزنگ شده است و شاهد بودیم که آمریکا علناً در نیکاراگوئه، گرانادا، عراق و افغانستان وارد معرکه شد. در واقع آمریکا نیازی به این گونه اقدامات ندارد. اما در مورد این نظریه که صدر و طرفدارانش عامل ترور هستند باید گفت آنها اصلاً تجربه، توان و جرات این کار را ندارند. این ترور ضربه بسیار بزرگی بود که در قد و قواره مقتدی صدر نیست. آنها فارغ از عدم توانمندی و تجربه، هیچ گاه چنین ریسکی نمی کنند. چون این موضوع سرانجام برملا خواهد شد. این گونه عملیات نیاز به یک پنهان کاری عظیم دارد که فقط از جریانات با تجربه برمی آید و رقبایی مثل صدر چنین تجربه هایی ندارند. آنها فقط تعدادی طلبه جوان، بی تجربه، جاه طلب و بلندپرواز هستند که مدتی دیگر خواهند فهمید حرف هایی که زده اند بی اساس بوده است و سرانجام در صحنه سیاسی منزوی خواهند شد. بنابراین ظن انجام این ترور توسط صدام حسین و گروه القاعده از همه قوی تر است. توجیهات خاص آن نیز وجود دارد زیرا در درجه اول می دانیم که صدام قصد ضربه زدن دارد و در عملیاتی که انجام داد نیز نشان داد که هنوز امکانات زیادی دارد. داشتن امکانات و مواد منفجره و عملیات پنهانی به این عظمت به این تیب افراد می خورد. اگر بگوییم همکاری صدام حسین و القاعده بوده است باید گفت، گزارش های زیادی در این زمینه وجود دارد و بر اثر دستگیری های انجام شده نیز سرنخ هایی به دست آمده است من نمی خواهم بگویم صد درصد القاعده نیز دست داشته است ولی اگر بخواهیم سلسله مراتب قائل شویم، اول عوامل رژیم بعث و بعد القاعده و بعث مورد ظن هستند.

• القاعده طی اطلاعیه ای اعلام کرد که کار آنها نبوده است.

این درست است. ولی صدام حسین هم چند هفته پیش در یک نوار گفت که کار او نیست. صدام حسین مانند همه رژیم های دیکتاتوری هنوز بر این باور است که مردم عراق او را می خواهند. ولی پس از ترور آیت الله حکیم صدها هزار نفر از مردم عراق در تمام شهرها نفرت عظیم خود را نسبت به صدام حسین اعلام کردند و او را دشمن خدا خواندند. صدام وقتی این فضا را دید وحشت کرد و دخالت خود را در این انفجار تکذیب کرد.

• در برخی خبرها آمده بود که ترور حکیم به دستور صدام و با کار عملیاتی نیروهای مجاهدین خلق انجام شده است. این فرضیه را چگونه می بینید؟

بعید به نظر می رسد. با توجه به اینکه مجاهدین خلق تحت نظارت دقیق آمریکا هستند، توان و قدرت چنین کاری را ندارند. آن ها گرچه مقداری رمانتیک هستند و هنوز در سال های اولیه انقلاب سیر می کنند ولی واقع گرایان نیز در آنها وجود دارد. مجاهدین خلق می دانند که صدام رفته است. در خدمت مهره سوخته قرار گرفتن چه سودی دربردارد؟ الان بحث مجاهدین این است که بتوانند با آمریکا کنار آیند و برای این سازش تلاش می کنند. ولی آمریکا به آنها راه نمی دهد.

• اشاره کردید که ارتباط و همکاری صدام و القاعده توجیه منطقی دارد. در این راستا در شرایطی که شیعیان در کابینه دولت انتقالی اکثریت را به دست گرفته اند، احساس می شود جریانات سنی در اقلیت قرار گرفته اند. آیا این مقوله می تواند توجیه همکاری این دو جریان باشد و اصولاً بنیادگرایی سنی در عراق در چه جایگاهی قرار دارد؟

بنیادگرایی اهل سنت بسیار ضعیف است. دو جریان سنی وجود دارد یکی در فلوچه فعالیت می کنند و هنوز ضعیف هستند و دیگری محفل کردهای «انصارالاسلام» که ممکن است همکاری هایی با هم صورت داده باشند ولی هر دو ضربه خوردند. گرچه بقایای آنها هنوز هستند. البته جریانات اسلام گرای سنی با صدام حسین همکاری دارند. چون منافع مشترکی دارند. به هر حال موضع گروه فلوچه ضعیف است و احتمال دارد که ورود عناصری از القاعده آن را تقویت کند. البته این جریان یک پشتوانه عظیم خارج از عراق نیز دارد که جریان سنی بنیادگرایی رادیکال و افراطی از آن حمایت می کند. نه تنها این جریان بلکه حتی اسلام گرایان غیربنیادگرا و حتی اعراب غیراسلام گرا نیز از این جریان کوچک اسلام گرای سنی در فلوچه حمایت می کنند. حتی نمونه آن همان تحریکاتی است که محافل عربی ناسیونالیستی معتدل مصر انجام می دهند. مثلاً مصاحبه الاهرام با مقتدا صدر بسیار تحریک آمیز بود و خبرنگار دائم از آقای صدر می پرسید: «کی اعلام جهاد می کنید؟» در حالیکه آقای صدر کاره ای نیست که بخواهد جهاد کند. صدر نیز با همه ناپختگی در پاسخ مسئله را می پیچاند. این تحریکات نشان می دهد که این بنیادگرایی یک پشتوانه خارج از عراق از طرف رژیم های محافظه کار عرب، القاعده، جریان های رادیکال افراطی و حتی جریانات معتدل اسلامی دارد. در واقع یک سری نیروهای عجیب و غریب حامی این جریان شده اند که در عراق رژیم می با ترکیبی از کردها و شیعیان شکل نگیرد. به دلایل مختلف چنین حکومتی برای آنها مطبوع نیست. لذا از این جریان حمایت می کنند. گرچه این جریان ضعیف است اما پشتوانه قوی دارد.

- چه کسانی در فلوجه به عنوان رهبران بنیادگرایی عمل می کنند. دست القاعده برای تقویت بنیادگرایی در فلوجه در کار است یا خیر؟
- بله. این امکان وجود دارد. البته ما اطلاعات دقیق نداریم ولی به لحاظ منطقی این طبیعی است که القاعده پایگاه عمده آن باشد.
- آیا تا حالا اسامی این رهبران در فلوجه منتشر شده است؟
- بله. ولی این افراد خیلی مشهور نیستند. در واقع در این جریان رهبر شناخته شده ای وجود ندارد. بلکه شیوخ محلی هستند. فلوجه حومه بغداد است و رهبران فلوجه شیوخ محلی هستند. در صحنه های عربی ما از این نمونه شیوخ عربی زیاد داشته ایم. این شیوخ تا بخواهند جایگاه رهبری را به دست بگیرند، راه زیادی در پیش دارند.
- چرا این جریان در فلوجه شکل گرفت؟
- چون تقریباً به شکل مطلق، فلوجه منطقه سنی نشین بغداد است. البته ممکن است این تمرکز شیوخ در فلوجه طبیعی و یا براساس استراتژی و برنامه ریزی باشد. به هر حال اکنون ما شاهد یک تقابل مجدد و تضاد بین شیعه و سنی در جهان اسلامی به خصوص در جهان عرب هستیم این تضاد به خاطر تهدیدی است که تنها به لحاظ ذهنی احساس می کنند یعنی ترس از اینکه ممکن است در کنار ایران حکومتی شکل بگیرد که نه صددرصد شیعه ولی شیعیان رکن اساسی آن باشند. جریان های عربی چه جریان بنیادگرایی سنی افراطی، چه بنیادگرایی اسلامی اعتدالی و چه ناسیونالیست های افراطی عربی و چه ناسیونالیست های میانه رو عربی یعنی یک جبهه متحد عظیم با حضور شیعیان در کادر حکومتی عراق مخالف اند. گروه های نامبرده به طور طبیعی دوست ندارند افرادی مثل آقای حکیم شیعه در آن جا قدرت را به دست بگیرند. آنهایی که فکر می کنند تضاد شیعه و سنی از میان رفته اشتباه می کنند. هر لحظه امکان دارد این قضیه در جهان عرب علم شود. به خصوص اکنون که با چند مسئله دیگر آمیخته شده است. مثل مسئله حضور آمریکا. اکنون القاعده، ناسیونالیسم های رادیکال عرب و حتی ناسیونالیسم های میانه رو عرب با آمریکا درگیرند. بنابراین آمریکا به عنوان یکی از مخالفان اصلی این قضیه درآمده است. سنی ها احساس می کنند که شیعیان عراق با آمریکا همکاری می کنند و این کار از نظر آنها خیانت است.
- البته هیچ یک از دولت های عربی نیز دولت انتقالی عراق را به رسمیت نشناختند.
- بله. موضوع همین است. سنی ها نمی خواهند شاهد چنین چیزی باشند و آن را مداخله در عراق می دانند. این باعث می شود که از جریان بنیادگرا حمایت کنند. مسائلی نظیر دوستی حکیم با ایران و کردهای عراق که در دولت انتقالی حضور دارند از نظر آنها مسئله دار است زیرا همه آنها مخالف شیعیان و کردها هستند.

ادامه دارد

تحلیل اوضاع ایران و عراق در رسانه های جمعی

روزنامه های تهران: 13 آبان

بی بی سی - سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003

روزنامه های سه شنبه تهران به مناسبت سالگرد اشغال سفارت آمریکا در تهران از دیدگاه های مختلف به تحلیل حادثه ای پرداخته اند که 24 سال پیش تحول بزرگی در روابط بین المللی و سیاست خارجی ایران بود.

روزنامه های هوادار اصلاح طلبان که ترکیب اصلی اشغال کنندگان را می سازند با یاد از عباس عبدی که سال پیش در همین روز به زندان افتاد به تشریح سیاست های تازه خود پرداخته اند. اما روزنامه های هوادار جناح محافظه کار که در آن زمان از مخالفان گروگانگیری بودند در گزارش ها و مقالاتی ادعا کرده اند که شور مبارزه با آمریکا در مردم افزون شده است.

کیهان، رسالت و جمهوری اسلامی در عنوان های اصلی صفحه اول خود همراه با عکس هائی از تظاهرات سال های قبل، راه پیمائی روز سه شنبه را پرشور و با شعار های مرگ بر آمریکا و مرگ بر اسرائیل توصیف کرده اند.

جمهوری اسلامی در سرمقاله خود پیشنهاد کرده که روز مبارزه با استکبار به روز مبارزه با آمریکا، انگلستان و اسرائیل تغییر نام یابد که به نظر این روز مثلث استکباری امروز هستند.

فیاض زاهد در مقاله ای در **شرق** نوشته "در امروز روزی، عده ای دانشجو که نام «مسلمان پیرو خط امام» برخوردارند، از دیوار سفارتی گذر کردند که هر چند در آن روزگار مورد اقبال ملی قرار گرفت اما تیغ آن پس از بیست و اندی سال همچنان باقی است."

نویسنده **شرق** با تأکید بر این که گذر از آن دیوار گذر از بسیاری از خطوط بود نوشته امروز بازگشت به شرایط پیشین جسارت می خواهد به گونه ای که ظاهراً دولت امکان گذر از آن را ندارد اما تجربه پروتکل الحاقی نشان داده است که خارج از اراده دولت هستند کسانی که امکان این جسارت را در چارچوب قواعد حاکمیت دارند.

آفتاب یزد در مقاله ای در پاسخ به این سؤال که چرا سفارت آمریکا در اولین سال انقلاب اشغال شد نوشته است عمل محافظه کاران در متهم کردن اصلاح طلبان به آمریکائی بودن خاصیتش این بوده که عده ای گمان کرده اند که تنها چند نفر در آن زمان با اشغال سفارت مشکلاتی برای کشور ایجاد کردند.

نویسنده **آفتاب یزد** به خاطر آورده که در زمان اشغال سفارت آمریکا بسیاری از مخالفان امروزی هم با آن حرکت موافق بودند و اصولاً کمتر کسی است که از وی مخالفتی با آن عمل ثبت شده باشد. **یاس نو** در صدر گزارش های خود نوشته منتشر نشده ای از عباس عبیدی را قرار داده و در گزارش هائی نظر صاحب نظران را درباره سالروز بازداشت این مشخص ترین نماینده دانشجویان اشغال کننده سفارت منعکس کرده است.

دو نماینده اصلاح طلب مجلس در گفتگو با **یاس نو** تاکید کرده اند که دستگیری عبیدی در سالگرد اشغال سفارت پیامی بود که برای همه فرستاده شد که به قول میثم سعیدی نماینده تهران وقتی با فرزندان انقلاب این گونه رفتار می کنند وای به حال دیگران. هادی حیدری در کاریکاتوری به مناسبت روز 13 آبان در جائی عباس عبیدی را مجسم کرده که از دیوار سفارت آمریکا شادمان بالا می جهد و در صحنه بعد او را نشان داده که 24 سال بعد در همان روز در پشت میله هائی غمگین ایستاده است.

مراد ویسی در مقاله ای در **یاس نو** که به مناسبت سالگرد حبس عباس عبیدی نوشته شده با عنوان «هزینه حبس اهل نظر» پرسیده کدام ملت با نقادان و اهل نظر خویش چنین می کنند که ما؟ همزمان با ورود نماینده ویژه حقوق بشر سازمان ملل به ایران **اعتماد** خبر داده که افسانه نوری که به اعدام محکوم شده بود آزاد می شود.

نرگس محمدی در مقاله ای در **شرق** با اشاره به تاکیده های کشور های اروپائی بر حقوق بشر و نگرانی از نقص آن در ایران نوشته ناظران حقوق بشر در جهان و نیروها و جریانات دموکرات در داخل، سیر حقوق بشر را در ایران دنبال می کنند.

به نظر همسر تقی رحمانی که برای آزادی زندانیان سیاسی و عقیدتی تلاش می کند از نظر جهانیان هر حرکتی علیه فعالان سیاسی مطبوعاتی و جنبش دانشجویی به عنوان تهدید آزادی بیان و اندیشه معنا شده و با اعتراضات مواجه شده و فشارهای نهادهای حقوق بشری و به تبع آن اتحادیه اروپا نیز فزونی می یابد.

اعضای خانواده زندانیانی مانند عباس عبیدی، هاشم آغاچری، تقی رحمانی، هدی صابر و رضا علیجانی به نوشته **شرق** آماده شده اند که با نماینده ویژه سازمان ملل در امور حقوق بشر که روز سه شنبه وارد ایران شد به گفتگو بنشینند و به همین جهت **یاس نو** نوشته این بار هیات سازمان ملل از هیات های پرکار خواهد بود.

در حالی که روزنامه های مختلف پاسخ دادستانی تهران به گزارش اصل نود مجلس را منعکس کرده اند به نوشته **اعتماد** محس آرمین خبر داده کمیسیون ویژه ای که برای بررسی اعمال غیرقانونی دادستانی تهران تشکیل شده هفته آینده گزارش خود را در مجلس قرائت می کند.

آرمین که پس از پی گیری ماجرای منتهی به مرگ زهرا کاظمی از سوی دادستانی با شکایت یک نماینده محافظه کار مجلس احضار و به حبس و جریمه محکوم شد به نوشته اعتماد گفته است که در این روزها محسن سازاگارا و چند تن از دانشجویانی که توسط دادستانی دستگیر شده بودند درباره رفتار با آن ها در طول زندان به کمیسیون ویژه مجلس توضیح داده اند.

یک روز پس از انتشار خبری درباره تخریب سلول های انفرادی در زندان های کشور که همزمان با ورود نماینده ویژه سازمان ملل اعلام شد به نوشته **یاس نو** رییس سازمان زندان ها گفته است که سلول های بند 325 اوین تخریب نمی شود.

بند 325 اوین بخشی است که زندانیان سیاسی و مطبوعاتی و محکومان دادگاه ویژه روحانیت در آنها نگاهداری می شوند.

روزنامه های سه شنبه لغو سفر دبیر شورای عالی امنیت ملی به مسکو را با اهمیت دیده و بدون هیچ تحلیلی به چاپ رسانده اند، تاکید بیش تر روزنامه ها بر این است که همزمانی این سفر با دیدار نخست وزیر اسرائیل باعث لغو آن شده است.

جمهوری اسلامی با لحنی اعتراض آمیز خبر داده اند که تغییر نام خیابان شهید خالد اسلامبولی تهران به عنوان عملی در رعایت مصالح سیاسی بین ایران و مصر، در دستور کار کمیته نامگذاری شهرداری قرار گرفته است در حالی که از اعضای جدید شورای شهر انتظار می رود که جلو این کار را بگیرند و مطمئن باشند که مردم هرگز اجازه حذف نام شهید اسلامبولی را نمی دهند.

خالد اسلامبولی عامل ترور انور سادات رییس جمهور مصر است که نام وی با پیشوند شهید از بیست سال پیش بر خیابانی در تهران نهاده شده و در سال های اخیر با آغاز کوشش هائی برای تجدید روابط تهران و قاره این نامگذاری به عنوان مانعی بر تجدید روابط دو کشور مطرح می شود.

کیهان خبر داده است که نماینده رهبر در دانشگاه امیرکبیر با ابراز خرسندی از حضور اعضای انجمن اسلامی در مسجد گفت: تصمیمات هیئت نظارت دانشگاه طبق اصول و موازین شرعی است و در این زمینه باید انجمن اسلامی پیش قدم باشد و مسئله اتفاق افتاده را سیاسی نکند.

به نوشته **کیهان** و در حالی که هیات نظارت دانشگاه امیرکبیر ورود شیرین عبادی برنده جایزه صلح نوبل و محمد ملکی رییس پیشین دانشگاه تهران و حبیب الله پیمان فعال سیاسی را برای یک سال به آن دانشگاه ممنوع کرده دانشجویان حزب اللهی خواستار آن شده اند که دانشجویان برگزار کننده جلسه بزرگداشت شیرین عبادی هم مجازات شوند.

علت جنجال تازه دانشجویان بسیجی آن است که در مراسم بزرگداشت شیرین عبادی وی با محمد ملکی و حبیب الله پیمان دست داده است.

بررسی روزنامه‌های سه شنبه آمریکا: جنگ در عراق

بهنام ناطقی (رادبوفردا، نیویورک): سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003

روزنامه نیویورک تایمز در مقاله‌ای از ستون نویس خود آقای دیوید بروکس David Brooks می‌نویسد کسانی که اینک با آمریکا در جنگ هستند و مقر سازمان ملل و صلیب سرخ را منفجر می‌کنند، همان‌ها هستند که در زمان قدرت صدام حسین، جلوی چشم بچه‌های خردسال، مادر آنها را سر می‌بریدند و سر بریده را در کیسه پلاستیکی با خود می‌بردند. این واردگی اجتماعی دشمنان آزادی و دمکراسی، از نظر نویسنده نیویورک تایمز بزرگترین امتیاز آمریکا در این جنگ است زیرا آدمهایی از این دست هرگز نمی‌توانند رهبری یک جنبش اجتماعی را برعهده داشته باشند و چیزی ندارند که به مردم عادی و شریف عرضه کنند. راز بقای آنها در خشونت و ظلم و ارباب است و تنها مسئله‌ای که وجود دارد این است که چه کسی آنها را از میان بخواهد داشت. آقای دیوید بروکس، ستون نویس نیویورک تایمز می‌نویسد نمی‌توان انتظار داشت که پلیس تازه‌نفس ولی کارنیازموده عراق بتواند از پس دستجات آدمکش با تجربه برآید. از نظر این نویسنده، عراقی شدن جنگ عراق برنامه درازمدت است، اما ظرف شش ماه آینده، این وظیفه نیروهای آمریکا خواهد بود که با بازماندگان حکومت صدام بجنگند و برای پیروزی در این کار، آمریکا باید بتواند روحیه خود را حفظ کند.

روزنامه شیکاگو تریبیون در مقاله‌ای از ستون نویس خود خانم Dawn Turner Trice به درد مادری آمریکایی می‌پردازد از اهالی شیکاگو که فرزند خود را در عراق از دست داده است و می‌نویسد هر بار که در باره مرگ سربازی در عراق می‌شنوم، فکر می‌کنم بهتر است دلیلی برای این فداکاری وجود داشته باشد. وی یادآور می‌شود که مطابق سیاستی که از سال 1991 به مورد اجرا گذاشته شد، دولت آمریکا اجازه نمی‌دهد بازگشت اجساد سربازان کشته شده، در معرض دید همگان قرار گیرد. وی می‌نویسد یک میزان احساس ما در باره برخورد نظامی، واکنش ما به بازگشت اجساد سربازان است و شاید علت اینکه اعتراض‌های بیشتر، راهپیمایی‌های بیشتر یا ابرازخشم و انزجار از جنگ را کمتر می‌بینیم این است که اخیراً شاهد تابوت‌های پیچیده در پرچم که از جنگ بازگردانده می‌شوند، کمتر بوده ایم.

روزنامه وال استریت جورنال، در مقاله‌ای از آقای داندوالتر Donald Walter یک قاضی فدرال در لوئیزیانا می‌نویسد ما نباید اجازه دهیم که اخبار بد عراق ما را از انجام تعهداتی که در آنجا برعهده گرفته ایم، بازدارد. وی می‌افزاید خبرهای خوب فروش ندارند و برای همین است که درباره راه اندازی آب و برق و دستگاه قضائی و پلیس و تاسیسات دیگر و روند تدوین قانون اساسی در عراق کمتر می‌شنویم. قاضی والتر می‌نویسد ابتدا به شدت باجنگ عراق مخالف بود اما وقتی 5 هفته به عنوان مشاور نظام قضائی عراق در این کشور به سر برد، متقاعد شد که حتی اگر سلاح‌های کشتار جمعی هم پیدا نشوند، و همکاری صدام با تروریسم جهانی هم ثابت نشود، باز هم رئیس جمهوری آمریکا حق داشت در عراق به مداخله نظامی دست بزند. وی در باره قبرهای دسته جمعی و خشونت پلیس مخفی عراق می‌نویسد که چشمان بچه سه ماهه را در مقابل پدر شیعه اش از حدقه درآورد و می‌افزاید: اینک شکنجه گاه های صدام تعطیل شده اند و امید به آینده وجود دارد و دانشجویان در دانشکده حقوق بصره، آینده را از آن خود می‌دانند و هزاران وکیل عراقی آماده اند که به استقرار حکومت قانون در کشور خود کمک کنند. این قاضی آمریکایی هشدار می‌دهد که آمریکا نباید قبل از برقراری حکومت قانون واز میان برداشتن دادگاه‌های قبیله‌ای و مذهبی عراق را ترک کند زیرا وی ترک عراق توسط سربازان آمریکا را با قدرت گرفتن دستجات مسلحی که به ارباب مردم عراق مشغولند مرادف می‌داند.

وییتنامیزه شدن عراق

احمد زیدآبادی: سرمقاله روزنامه شرق - چهارشنبه 14 آبان 1382 - 5 نوامبر 2003

آمریکا در عراق با مشکل روبه روست و حتی خوش بین ترین مقام های پنتاگون نیز در این باره تردید ندارند، اما این مشکل در چه حجم و اندازه است و سرانجام آن چه خواهد شد؟ آیا کشته شدن حدود 130 نظامی آمریکا در دوران 6 ماهه پس از جنگ به مثابه گرفتار شدن آمریکا در «باتلاق» عراق و تکرار تجربه ویتنامی دیگر برای واشنگتن است و یا اینکه تداوم حملات ضدآمریکایی ماهیتی ایدایی و گذرا داشته و بدون هدف روشن و استراتژی شخصی صورت می‌گیرد؟ مسلماً کسانی که در داخل یا خارج آمریکا انتظار داشته اند که دولت بوش بدون دادن قربانی و یا بدون بروز هر گونه بی ثباتی اجتماعی و مشکل امنیتی يك دولت حجیم و مقتدر و تمام نهادها و دستگاه های اداری، امنیتی و نظامی آن را به کلی متلاشی کند و بدون هرگونه دردسر، دولت تازه ای را در کشور با پیچیدگی های استثنایی قومی، قبیله ای و مذهبی عراق از صفر پایه ریزی کند، بدون شك انتظار معجزه و قدرتی فراتر از توانایی بشر داشته اند.

اگر قدرت آمریکا را از جنس قدرت هر کشور دیگر بدانیم آنگاه از بروز پاره ای بی نظمی و آشوب ها و درگیری های نظامی پراکنده در عراق حیرت زده و یا غافلگیر نخواهیم شد چرا که این نوع نابسامانی ها در ذات و طبیعت اقدام بزرگی است که آمریکایی ها در عراق به انجام رسانده اند. بنابراین، تداوم حملات در عراق کمابیش امری عادی است گویانکه برخی از تحلیلگران اصرار داشته باشند که آمریکا آن را پیش بینی نکرده و در محاسبات خود نگنجانده بود. این سخن بدان معنی است

که تجربه ویتنام در عراق تکرار نمی شود، زیرا نه سطح و حجم درگیری ها و تلفات نظامیان آمریکا قابل قیاس با جنگ خانمان سوز ویتنام است و نه شرایط جهانی و منطقه ای چنین امکانی را فراهم می کند.

در ویتنام، آمریکا نه فقط با ویت کنگ های مورد حمایت مردم بلکه در واقع با اتحاد شوروی و تمام نهضت های آزادیبخش همسو با آن می جنگید. بدین ترتیب جنگ ویتنام صحنه نبرد غیرمستقیم دو ابرقدرت در شرایطی بود که امکان رویارویی مستقیم آنها وجود نداشت. روس ها و متحدانشان از راه های گوناگون به چریک های ویتنام سلاح های پیشرفته ارسال می کردند و در مجامع بین المللی نیز در کنار انبوه روشنفکران چپ اروپایی و آمریکایی با قاطعیت به حمایت از آنها می پرداختند. این بود که آمریکا در طول حدود ده سال جنگ ویتنام، افزون بر تحمل فشارهای سنگین افکار عمومی بین المللی، 50 هزار قربانی داد، قربانیانی که مردم آمریکا تاب آن را نیاوردند و با نهضت ضدجنگ خود، پایان مناقشه را رقم زدند.

این در حالی است که عملیات مسلحانه ضدآمریکایی در عراق، ضمن آنکه از جانب جوامع شیعه و کرد عراقی حمایت نمی شود، از هر گونه پشتوانه بین المللی هم محروم است و قدرت های جهانی و یا منطقه ای نیز مایل و یا قادر به حمایت از آن نیستند. بدین ترتیب، عملیات مسلحانه در عراق محدود به برخی گروه ها و دسته های داخلی و خارجی است که از انبارهای مخفی تسلیحاتی به جامانده از ارتش عراق تغذیه می کنند و روزی که موجودی این انبارهای مخفی به پایان رسد، یافت جایگزینی برای آنها آسان نخواهد بود.

در عین حال، میزان تلفات آمریکایی ها در عراق که روزانه به یک نفر هم نمی رسد، قابل قیاس با تلفات ارتش آنها در ویتنام نیست. اگر اوضاع به روال 6 ماه گذشته در عراق پیش رود، 200 سال طول می کشد تا شمار قربانیان جنگ در عراق به سطح قربانیان آمریکا در جنگ ویتنام برسد! با این همه، آمریکاییان با همین میزان از تلفات هم مسئله دار شده اند و تلاش می کنند تا از طریق سازماندهی و آموزش نیروهای تازه ارتش، پلیس و دفاع غیرنظامی، مسئولیت حفظ امنیت را در عراق به عهده عراقی ها بگذارند و نظامیان خود را از کوچه و خیابان به پادگان ها ببرند و یا به کل از عراق خارج کنند. خلاصه آنکه در تحلیل شرایط منطقه ای، می توان مشکلات آمریکا را در عراق در نظر داشت اما تاکید بر روی اینکه آمریکا در «باتلاق» عراق گرفتار شده به طور جدی مورد تردید خواهد بود.

کوناگون

روشنک داریوش ما را وداع گفت

رادیو آلمان - سه شنبه 13 آبان 1382 - 4 نوامبر 2003

روشنک داریوش خاموش شد. وی شنبه شب دهم آبانماه در سن ۵۲ سالگی در پی تحمل مشقت های بسیار سال های در تبعید و رنج از بیماری که گریبانش را گرفت، در آلمان از میان ما رفت. روشنک داریوش یک کوشنده سیاسی و اجتماعی و مترجم سرشناس در عرصه ادبی ایران و از اعضای دیرین کانون نویسندگان ایران بود.

روشنک داریوش دختر پرویز داریوش، که خود از مترجمان سرشناس ایران بود، از ۱۷ سالگی در کشور آلمان به تحصیل و در رشته علوم سیاسی تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رساند. وی در طول اقامتش در آلمان در زمان رژیم شاهنشاهی گذشته در جنبش دانشجویی کنفدراسیون علیه رژیم شاه فعال بود. روشنک پس از انقلاب به ایران بازگشت و در عرصه جنبش زنان به فعالیت خود ادامه داد. وی در دهه شصت در فضای سرکوب و اختناق شدید در جمهوری اسلامی به کار ترجمه از زبان آلمانی روی آورد. و تسلط وی به زبان آلمانی این امر را برایش امکانپذیر ساخت. ترجمه آثاری چون رمان «قرن ما» اثر گوتتر گراس، «قطره اشکی در اقیانوس» و «یک زندگی سیاسی» از آثار ماینس اسپربر و آثار ادبی دیگر از کارهای اوست.

روشنک داریوش از اعضای کانون نویسندگان ایران بود و در احیای آن نقش فعالی داشت. کانون نویسندگان ایران در اطلاعیه خود به مناسبت مرگ وی، یاد روشنک داریوش را گرامی داشت و نوشت: روشنک داریوش در بدترین سالهایی که بر کانون نویسندگان ایران و اعضای آن گذشت از فعالان پیگیر «جمع مشورتی» بود.

وی به هنگام دستگیری همسرش، خلیل رستمخانی که در سال ۱۳۸۰ در کنفرانس برلین شرکت کرده و نقش مترجم را داشت، در آلمان بود. باید اشاره کرد که خلیل رستمخانی و تمامی شرکت کنندگان در کنفرانس برلین پس از بازگشت به ایران توسط قوه قضاییه جمهوری اسلامی دستگیر شدند.

محکومیت رستمخانی به زندان طویل المدت و نیز اتهاماتی به خود روشنک داریوش توسط مقامات دادستانی در رابطه با کشف برخی اوراق سیاسی و اجتماعی در خانه اش وی را مجبور ساخت در آلمان بماند. روشنک از آن پس تحت فشارهای شدید قرار گرفت. با توجه به بیماری که متوجه او بود، همسرش توانست با استفاده از مرخصی زندان در واپسین لحظات زندگی نزد او در آلمان بسر برد. روشنک داریوش ما را وداع گفت

روشنک داریوش خاموش شد. وی شنبه شب دهم آبانماه در سن ۵۲ سالگی در پی تحمل مشقت های بسیار سال های در تبعید و رنج از بیماری که گریبانش را گرفت، در آلمان از میان ما رفت.

روشنك داریوش يك كوشنده سیاسی و اجتماعی و مترجم سرشناس در عرصه ادبی ایران و از اعضای دیرین كانون نویسندگان ایران بود.

روشنك داریوش دختر پرویز داریوش، که خود از مترجمان سرشناس ایران بود، از ۱۷ سالگی در کشور آلمان به تحصیل و در رشته علوم سیاسی تحصیلات دانشگاهی خود را به پایان رساند. وی در طول اقامتش در آلمان در زمان رژیم شاهنشاهی گذشته در جنبش دانشجویی کنفدراسیون علیه رژیم شاه فعال بود. روشنك پس از انقلاب به ایران بازگشت و در عرصه جنبش زنان به فعالیت خود ادامه داد. وی در دهه شصت در فضای سرکوب و اختناق شدید در جمهوری اسلامی به کار ترجمه از زبان آلمانی روی آورد. و تسلط وی به زبان آلمانی این امر را برایش امکانپذیر ساخت. ترجمه آثاری چون رمان «قرن ما» اثر گونتر گراس، «قطره اشکی در اقیانوس» و «يك زندگی سیاسی» از آثار مایس اشپیرر و آثار ادبی دیگر از کارهای اوست.

روشنك داریوش از اعضای كانون نویسندگان ایران بود و در احیای آن نقش فعالی داشت. كانون نویسندگان ایران در اطلاعیه خود به مناسبت مرگ وی، یاد روشنك داریوش را گرامی داشت و نوشت: روشنك داریوش در بدترین سالهایی که بر كانون نویسندگان ایران و اعضای آن گذشت از فعالان پیگیر «جمع مشورتی» بود.

وی به هنگام دستگیری همسرش، خلیل رستمخانی که در سال ۱۳۸۰ در کنفرانس برلین شرکت کرده و نقش مترجم را داشت، در آلمان بود. باید اشاره کرد که خلیل رستمخانی و تمامی شرکت کنندگان در کنفرانس برلین پس از بازگشت به ایران توسط قوه قضاییه جمهوری اسلامی دستگیر شدند. محکومیت رستمخانی به زندان طویل‌المدت و نیز اتهاماتی به خود روشنك داریوش توسط مقامات دادستانی در رابطه با کشف برخی اوراق سیاسی و اجتماعی در خانه اش وی را مجبور ساخت در آلمان بماند. روشنك از آن پس تحت فشارهای شدید قرار گرفت. با توجه به بیماری که متوجه او بود، همسرش توانست با استفاده از مرخصی زندان در واپسین لحظات زندگی نزد او در آلمان بسر برد. یادش گرامی باد!